

کودکی و تجدد در دوره‌ی رضا شاه

داریوش رحمانیان*، زهرا حاتمی**

چکیده

از دستاوردهای ارتباط ایران و غرب در دوره معاصر تلاش برای بازاندیشی در الگوهای ذهنی سنتی بود که در این راستا، اندیشه‌گران متجدد ایرانی مفهوم کودکی و جایگاه کودکان را به چالش کشیده، تعریف جدیدی از کودکی ارائه داده‌اند که جامعه را به دوره‌ای جدید وارد کرده است. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که کودک ایرانی در روند نوسازی دوره رضاشاه، چه جایگاهی داشته و مفهوم کودکی در این دوره دچار چه دگرگونی‌هایی شده است؟ فرضیه اصلی تحقیق حاضر آن است که مفهوم کودکی در دوره رضاشاه، برآیند تحولاتی بود که در ذهنیت عمومی از دوره پیشامشروطه آغاز شده، به عنوان بخشی از مطالبات اندیشه‌گران مشروطه‌خواه درآمده و با گذر از دوره قاجاریه به پهلوی به عنوان میراثی به جامعه و حکومت جدید، رسیده است. حکومت رضاشاه با محوریت دادن به کودکان، سیاست‌هایی را طرح و اجرا کرد که سرمنشا تغییرات گسترده در جامعه گردید.

واژه‌های کلیدی: کودک، کودکی، تجدد، قاجاریه، پهلوی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. ایمیل: (rahmanian@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری ایران اسلامی دانشگاه تهران. ایمیل: (Zahra.hatami1363@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۰۹ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۵/۱۳

مقدمه

گرچه در دهه‌های اخیر، ژانرهای نو تاریخ‌نویسی در جهان پدید آمده است؛ اما در ایران توجه پژوهشگران ایرانی به این حوزه‌ها هنوز در آغاز راه است. در پیوند با تاریخ فرودستان، توجه به تاریخ کودک و کودکی، هم به عنوان یک هستی تاریخی، و هم مفهومی تاریخمند امری لازم است. از اواسط دوره قاجاریه، گفتمان سنتی درباره کودک و کودکی در اثر برخورد با گفتمان غربی ضربه خورده، دچار بحران شد. از این پس جامعه ایرانی از لحاظ ذهنی و عینی وارد دوره گذار از سنت به تجدید گردید.

در این دوران، می‌توان از دوره سلطنت رضا شاه به عنوان یک نقطه عطف یاد کرد، دوره‌ای که کودکان در کانون سیاست‌گذاری‌های حکومت قرار گرفتند. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است، که کودک ایرانی در روند نوسازی دوره رضاشاه چه جایگاهی داشت و مفهوم کودکی در این دوره، دچار چه دگرگونی‌هایی گردید؟ فرضیه اصلی تحقیق حاضر آن است که مفهوم کودکی در دوره رضاشاه، نتیجه تحولاتی بود که در ذهنیت عمومی از دوره پیشامشروطه آغاز شده، به عنوان بخشی از مطالبات اندیشه‌گران مشروطه‌خواه درآمده و با گذر از دوره قاجاریه به پهلوی به عنوان میراثی به جامعه و حکومت جدید، رسیده بود. حکومت رضاشاه که مجری بسیاری از آرزوه‌های تحقق نیافته اندیشه‌گران متجدد نسل قدیم‌تر بود به عنوان پیش‌شرطی بر ترقی کشور با محوریت دادن به کودکان، سیاست‌هایی را طرح و اجرا کرد که سرمنشا تغییرات گسترده‌ای در جامعه شد.

ادبیات علمی - پژوهشی مطالعات تاریخی کودکی

با وجود آن‌که چند سال پیش از فیلیپ آریه، اریک اریکسون روانشناس آمریکایی در کتاب *لوتر جوان* (۱۹۵۶/۱۳۳۵) با رویکرد تاریخ‌روانشناختی به مبحث کودکی توجه کرد، اما احتمالاً توجه به تاریخمندی مفهوم کودکی در جهان، برای نخستین بار توسط فیلیپ آریه، مورخ فرانسوی در ۱۹۶۰/۱۳۳۹ برانگیخته شد. او در این سال، کتابی به نام *کودکان و زندگی خانوادگی در دوران باستان* منتشر کرد که در آن نشان داد که کودکی زاینده دوره‌ی مدرن است و پیش از آن کودکان جز بزرگسالانی کوچک نبودند که در

پوشاک، خوراک، آموزش و... همانند بزرگسالان به شمار می‌آمدند.^۱ کتاب آریه توجه مورخان، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان را به غیبت نسبی کودکان از عرصه مطالعات تاریخی و اجتماعی جلب کرد و سبب‌ساز نگارش کتاب‌هایی چون تاریخ کودکی شد. این کتاب، مجموعه مقالاتی است که توسط لوید دو موزه در ۱۹۷۴/۱۳۵۳ منتشر شده و در آن پژوهشگران، به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی کودکان در اروپا از اواخر حکومت رومی‌ها تا قرن نوزدهم میلادی می‌پردازند.^۲ یکی از کتاب‌های تاریخی دیگر، طرحی برای دوران کودکی اثر راجر کاکس است که در آن زندگی کودکان در دوره‌های مختلف تاریخ اروپا از دوره پیوریتن‌ها، عصر روشنگری، رومان‌تیسیم و ویکتوریا بررسی شده است.^۳ کتاب کودکان و کودکی در ایتالیا دوره رومی که در ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ به چاپ رسید، دیگر پژوهش تاریخی مرتبط با کودکان است که به صورت خاص درباره‌ی عصر سلطه رومی‌ها بر ایتالیا است. این کتاب در فصولی چون تولد و تشریفات مربوط به آن، آموزش و پرورش و... تدوین شده است.^۴ کتاب مجموعه اولیه؛ تاریخ آمریکایی کودکی که یک سال بعد، توسط استیون مینتز به نگارش درآمد؛ در فصولی چون سرخ پوستان، سفیدپوستان و سیاه پوستان در مستعمرات آمریکا، دختران و پسران عصر آزادی و کودکان کار به صورت ویژه به بحث درباره کودکان آمریکایی می‌پردازد.^۵ کتاب دوران کودکی در تاریخ جهان اثر پیتر استیرنس به بررسی تاریخی زندگی کودکان در سراسر جهان می‌پردازد. این کتاب با وجود اشاراتی کوتاه، تقریباً نسبت به تمدن ایرانی بی‌توجه است.^۶ از جمله کتاب‌های مهم

1. Philippe Aries, (1962), *Centuries of Childhood, A Social History of Family Life*, Translated by Robert Baldick, New York: Vintage Books. Paula Fass, (2004), *Encyclopedia of Children and Childhood*, In *Society and History*, New York: Thomson- Gale, Pp. 68- 66.

نیز نک: زندگینامه فیلیپ آریه به قلم پاتریک. اچ. هوتون (۱۳۹۲)، در پیوست کتاب تاریخ مرگ، نگرش‌های غربی در باب مرگ از قرون وسطی تا کنون، ترجمه محمد جواد عبداللهی، تهران: علم، ص ۱۴۹-۱۲۹.

2. Liloyd de Mause, (1974), *The History of Childhood*, London: Souvenir Press.

3. Roger Cox, (1996), *Shaping Childhood*, London: Routledge.

4. Beryl Rawson, (2005), *Children and Childhood In Roman Italy*, London: Oxford University Press.

5. Steven Mintz, (2004), *Huck's Raft: A History of American Childhood*, Boston: The Belknap Press of Harvard University Press.

۶. پیتر استیرنس، (۱۳۸۸)، *دوران کودکی در تاریخ جهان*، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: اختران.

دیگر جامعه‌شناسی تاریخی کودکی اثر آندره ترومل را می‌توان نام برد که در آن نویسنده در پی آن است تا نشان دهد که چگونه کودکان در دوران جدید، به کانون اصلی سیاست‌گذاری‌های عمومی دولت‌های غربی تبدیل شدند.^۱ علاوه بر این، کتاب‌هایی چون مقدمه‌ای بر مطالعات کودکی اثر مری جین کلی (۲۰۰۹ / ۱۳۸۸)^۲ و آینده کودکی؛ رو به سوی مطالعات میان‌رشته‌ای کودکان^۳ اثر آلن پروت نشان از گرایش جدید در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای درباره کودکی و کودکان دارند. همانگونه که پیداست همه‌ی آثار یاد شده توسط پژوهشگران غربی تولید شده‌اند و این در حالی است که توجه به تاریخ کودکی نزد مورخان و تاریخ‌پژوهان ایرانی هنوز در آغاز راه است.

در باب جایگاه کودکان در اندیشه و جامعه ایرانی در دوره رضاشاه، تقریباً هیچ پژوهش تاریخی نظام‌مندی وجود ندارد. هر آنچه هست، مجموعه‌ای است از کتاب‌هایی چون تاریخ ادبیات کودکان ایران نوشته زهره قائینی و محمدهادی محمدی^۴ که گرچه خدمتی به سزا در معرفی آثار مرتبط با کودکان در دوره معاصر دارند؛ اما بیش از آنکه به سیر تحولات تاریخی نظر کنند، در زمینه ادبیات و دربردارنده معرفی مجموعه‌ای از منابع ادبی و مطبوعاتی مرتبط با کودکان هستند. همچنان‌که اثر جالب توجه علی کاشفی خوانساری با عنوان در باب قرائت اطفال با وجود توجه تاریخی به مساله‌ی کودکی، در باره‌ی دوره‌ی قاجاریه است.^۵

همچنان‌که حکومت پهلوی اول ثمره آرزوهای روشنفکران برای روی کار آمدن یک دولت قدرتمند مرکزی بود تا نظم و امنیت را به کشور بازگردانده و مرزهای ایران را از خطر هجوم خارجی و شورشیان داخلی بپاید، در زمینه اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود نیز مجری بسیاری از طرح‌هایی بود که با وقوع بحران در سال‌های پایانی دوره قاجاریه

1. Andre Trumel, (2008), *A Historical Sociology of Childhood*, London: Cambridge University Press.

2. Marv Jane Kehily, *An Introduction to Childhood Studies*, Buckinghamshire: Open University Press.

3. Alan Prout. (2005). *The Future of Childhood , Towards The Interdisciplinary Study of Children*, London: Routledge Flamer.

۴. محمدهادی محمدی و زهره قائینی، (۱۳۸۷-۱۳۸۰)، *تاریخ ادبیات کودکان ایران*، تهران: چیستا.

۵. سیدعلی کاشفی خوانساری، (۱۳۸۲)، *از باب قرائت اطفال، کودکان و مطبوعات پیش از مشروطه ایران*،

تهران: قدیانی؛ همو، (۱۳۹۱)، *ادبیات دینی کودک و نوجوان تا پایان دوره پهلوی*، تهران: حوا.

نیمه تمام مانده بود. برخی طرح‌های حکومت جدید درباره‌ی زنان و کودکان نیز حاصل اندیشه‌های پیشروی بود که در دهه‌های پیشین چونان بذری در عرصه اندیشه کاشته شده بود و تنها نیازمند زمان و شرایط مناسب برای ثمردهی بود. بر این اساس ذکر پیشینه‌ای از دوره قاجاریه، ضروری می‌نماید.

کودکی و کودکان در دوره قاجاریه

مفهوم کودکی در اندیشه ایرانیان عصر قاجار میراثی از دوران‌های گذشته بود. شواهد برجای مانده، حاکی از آن است که ایرانیان تا پیش از آشنایی با تجدد غربی، با الهام از تفسیر غالب در تمامی ادیان پذیرفته شده و نیز الگوهای جنسیتی مسلط بر فرهنگ عمومی، درکی بیولوژیک، کروئولوژیک، یکپارچه و واحد از کودکی داشتند. برای مثال سعدی در *گلستان*، بلوغ جسمانی را نشانه‌ای مبنی بر پایان کودکی و ورود به دنیای بزرگسالان قلمداد می‌کند.^۱ پذیرش این اصل که به تعریفی سال‌شمار از کودکی می‌انجامید، سبب می‌شد در عرصه واقعیات اجتماعی، دختران، دوران کودکی به مراتب کوتاه‌تری از پسران داشته باشند. بر این اساس، سن پایان کودکی در دختران، نه سال و برای پسران پانزده سال بود. کودکان که نویسندگان رساله‌های اخلاقی، فصلی به آنان اختصاص داده بودند، در آغاز دوره ناصری اقلیتی خاموش به حساب می‌آمدند که در این اندرزنامه‌های اجتماعی، چگونگی تربیت و پرورش درست آنان به پدرانشان آموخته می‌شد تا نامی نیک بر کودک گذارند، دایه‌ای پارسا، عاقل و مهربان برای او انتخاب کنند، او را قرآن بیاموزند و به اقتضای استعداد شخصی و طبقه اجتماعی خانواده، پیشه‌ای به او بیاموزند.^۲ اموری که

۱. سعدی، (۱۳۶۹)، *گلستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی؛ باب هفتم در تاثیر تربیت، ص ۱۵۹.

۲. *بحرالفوائد*، (۱۳۴۵)، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۱۷-۱۱۶، ۱۶۹؛ *نسخه خطی اخلاق‌ظہیریه*، ش ۵ - ۱۲۳۰۷ کتابخانه ملی، ص ۳۷-۳۶؛ *ابن سینا و تدبیر منزل*، (۱۳۱۹)، ترجمه محمد نجمی زنجانی، تهران: ابن سینا، ص ۵۰-۴۲؛ غزالی، (۱۳۵۴)، *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص ۳۲۱؛ *خواجہ نصیرالدین طوسی*، (بی‌تا)، *متن کامل اخلاق ناصری*، به کوشش وحید دامغانی، تهران: فراهانی، ص ۲۴۷، ۲۵۶-۲۵۴؛ *عنصرالمعالی کیکاووس* (۱۳۹۰)، *قابوس نامه*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی،

حد نهایی وظایف یک پدر در حق فرزندش به حساب می‌آمد. اهمیت یافتن کودکان در دوره‌ی پیشامشروطه تحت تاثیر چندین عامل روی داد:

۱- اندیشه‌گران متجدد که عموماً تحت تاثیر جنبش اصلاحی قرن نوزدهم اروپا تحت عنوان «پداگوژی یا تعلیم و تربیت تجربی» قرار داشتند،^۱ اصلاح ساختار آموزشی را به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های ترقی ایران به حساب آورده^۲ با انتقاد از خط و الفبای فارسی،^۳ کتاب‌های درسی^۴ و شیوه آموزش کودکان^۵ توجهی ویژه به کودکان نمودند. نهضت مدرسه‌سازی که در دوره‌ی مظفری برپایه تلاش‌های کسانی چون میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، رشديه و دیگران ثمر داده بود نه تنها پایه‌های عمومیت و اجباری شدن آموزش ابتدایی را در میان کودکان همه طبقات اجتماعی گذارد؛ بلکه با

۱۳۶-۱۳۲؛ جلال‌الدین دوانی، (۱۳۹۱)، *اخلاق جلالی*، تصحیح عبدالله مسعودی آرانی، تهران: اطلاعات، ص ۱۹۹، ۱۹۴.

۱. درباره این جنبش نک:

Encyclopedia of Children and Childhood In History and Society, V 1, New York: Thomson, Gale, "Hans Pols, (2004)," *Child Study*, pp.200-204

۲. رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، (۱۳۸۸)، گردآوری حجت‌الله اصیل، تهران: نی، ص ۵۵-۵۴؛ فریدون آدمیت، (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، بی‌جا، بی‌نا؛ ص ۸۲-۸۰؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده، (۱۳۵۱)، *مقالات*، به‌کوشش باقر مومنی، تهران: آوا، ص ۱۱۲؛ عبدالرحیم طالبوف تبریزی، (۱۳۳۶)، *کتاب احمد یا سفینه طالبی*، تهران: گام، ص ۱۱-۱۰؛ *رسائل سیاسی عصر قاجار*، (۱۳۸۰)، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۷۰-۵۶۵؛ *رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)*، (۱۳۷۸)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۶۵۸-۶۵۷، ۱۷۶-۱۷۵، ۲۳۳-۱۳۴.

۳. *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، ص ۸۲-۸۰؛ *مقالات*، ص ۱۷۶-۱۷۵، ۲۰۲؛ میرزا آقاخان کرمانی، (۲۰۰۰)، سه مکتوب، به‌کوشش بهرام چوبینه، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ Germany: Nima Verlage؛ میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، (۲۵۳۶)، *مسالک‌المحسنین*، به‌کوشش باقر مومنی، تهران: شبگیر، ص ۱۰۳-۱۰۱؛ *کتاب احمد یا سفینه طالبی*، ص ۴۵؛ نیز نک: کاظم استادی، (۱۳۹۱)، *فعالان اصلاح الفبا و تغییر خط*، تهران: علم، صفحات متعدد.

۴. عبدالرحیم طالبوف تبریزی، (۱۳۵۷)، *آزادی و سیاست*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: سحر، ص ۱۹۸؛ *روزنامه تربیت*، نمره ۲۸، ۲۳ محرم ۱۳۱۵ ق، ص ۱۱۱؛ همان، نمره ۲۹، سلخ محرم ۱۳۱۵ ق، ص ۱۱۵-۱۱۳؛ تمدن، س ۱، ش ۷۷، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق، ص ۴.

۵. *کتاب احمد یا سفینه طالبی*، ص ۸۱؛ سه مکتوب، ص ۲۳۵-۲۳۴.

توجهی ویژه به ایتام و کودکان فقیر،^۱ زمینه‌های فکری لازم برای تاسیس پرورشگاه‌های سالیان آتی را فراهم ساخت.

۲- گزارش‌های بیگانگان از کار کودکان در کارگاه‌های بزرگ فرش‌بافی در کرمان، اراک و...^۲ توجه سازمان تازه تاسیس بین‌المللی کار را به روند زندگی مشقت‌بار کودکان جلب کرد که در کارگاه‌های شرکت‌های چند ملیتی‌ای مانند زیگلر، هوتس و پسران یا تحت سیطره تجار فرش داخلی استثمار می‌شدند. دولت ایران که از ۱۹۱۴ / ۱۲۹۳ به عضویت این سازمان درآمد بود در ۱۳۰۲ یادداشتی دوستانه دریافت کرد که در آن به اوضاع اسفناک کاری کارگران قالیباف کرمانی اشاره شده بود. این موضوع، کودکان را برای نخستین بار به موضوعی قابل بحث در روابط سیاسی ایران و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل کرد.^۳

۳- قانون اساسی مشروطه، انجمن‌ها و احزاب سیاسی که فرزند مشروطه و حاصل آزادی‌های سیاسی این دوره بودند، به چند طریق به تبدیل کودکان به مسئله‌ای اجتماعی یاری رساندند. در مرامنامه‌ی «فرقه سیاسی دمکرات ایران (عامیون)»،

۱. خورشید، س ۱، نمره ۱، ۲۱ محرم ۱۳۲۵، ص ۵-۴؛ همان، س ۱، ش ۱۱۹، ۲۷ محرم ۱۳۲۵، ص ۳؛ همان، س ۱، ش ۱۴، ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ص ۸؛ تربیت، نمره ۲۷۴، ۳ محرم ۱۳۲۱، ص ۱۱۰۴؛ همان، نمره ۲۷۵، ۱۷ محرم ۱۳۲۱، ص ۱۱۱۲؛ همان، نمره ۲۷۷، ۲ صفر ۱۳۲۱، ص ۱۱۲۷؛ همان، نمره ۴۸، ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۱۵، ص ۱۹۰؛ شمس‌الدین رشیدی، (۱۳۶۲)، سوانح عمر، تهران: تاریخ ایران، ص ۴۷، ۳۹.

۲. اوژن اوبن، (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص ۷۲-۷۱؛ *سفرنامه دوران*، (۱۳۴۶)، ترجمه علی‌محمد ساکی، خرم‌آباد: محمدی، ص ۱۸۶؛ هوگو گروته، (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه جلیل جلیلووند، تهران: مرکز، ص ۳۰۷؛ سرپرسی سایکس، (۱۳۳۶)، *سفرنامه سرپرسی سایکس یا دو هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: ابن‌سینا، ص ۲۳۴-۲۳۳؛ *هانری رنه دالمانی*، (۱۳۷۸)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ج ۱، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران: طاووس، ص ۷۹۹؛ عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی، (۱۳۴۶)، *روزگاری که گذشت*، تهران: بی‌نا، ص ۲۰۰.

۳. ویلم فلور، (۱۳۷۱)، *اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ص ۱۱۵-۱۱۴؛ فضل‌الله حشمتی رضوی، (۱۳۹۲)، *تاریخ فرش؛ سیر تحول و تطور فرش‌بافی در ایران*، تهران: سمت، ص ۲۸۱؛ *اطلاعات*، ۸ فروردین ۱۳۰۸؛ همان، ۸، ۹، ۱۰ دی ۱۳۱۵، ص ۱، ۱۱ دی ۱۳۱۵، ص ۴؛ *اطلاعات عصر*، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۷، ص ۴؛ *اطلاعات*، ۱۷ خرداد ۱۳۱۷، ص ۴؛ *داریوش رحمانیان*، (۱۳۹۱)، *ایران بین دو کودتا*، تهران: سمت، ص ۱۵۵-۱۵۳.

«پروگرام و مواد وظایف جمعیت اتفاق ترقی»، «دستور اساسی جمعیت ترقی خواهان ایران»، و «مرامنامه فرقه ترقی و تمدن» به «تعلیم مجانی و اجباری برای همه افراد ملت»، «توجه مخصوص در تربیت نسوان» و «تالیف و تصنیف کتب ابتدایی، متوسطه و عالی برای درس در کلیه مدارس» توجهی ویژه شده بود.^۱ از سوی دیگر، شرط سنی شرکت در انتخابات یا عضویت در احزاب و انجمن‌ها، خود تعریف جدیدی از حد رشد و پایان کودکی می‌داد که پیش از آن بی‌سابقه بود. در قانون اساسی مشروطه، حداقل سن شرکت در انتخابات، بیست و پنج سال تعیین شده بود، حال آن‌که فرقه اصلاحیون عامیون سن بیست و یک سالگی را برای حق رای، و بالای سی سال را برای نامزدی، مناسب دانسته و مرامنامه فرقه ترقی و تمدن؛ شانزده سالگی را حد انتخاب و بیست سالگی را سن نامزدی در انتخابات معرفی کرده بود.^۲ از سوی دیگر برخی احزاب سیاسی در این دوره، مانند «فرقه اصلاحیون عامیون» در ذیل مسائل اقتصادی حداقل سن مجاز کار را چهارده سالگی دانسته و خواستار ممنوعیت کار برای کودکان زیر این سن شدند.^۳

شواهد چندی از دوره قاجاریه حاکی از آن است که همزمان با طرح اندیشه‌های جدید، جامعه در تعیین زمان دقیق پایان دوران کودکی، دچار سردرگمی شده بود. اگر به اجزای این گزارش روزنامه «تربیت» درباره‌ی عمل ناصرالحکماء بر روی چشم فردی چهارده ساله در مازندران دقت کنیم، درمی‌یابیم که حتی مسئولان نشریه پیشروی مانند تربیت نیز به درستی نمی‌دانستند که برای فرد ذکوری در این سن و سال از میان عناوین «طفل»، «کودک» یا «جوان» کدام یک را باید به کار برد: «این اوقات جناب ناصرالحکماء عمل

۱. مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس، (۱۳۶۱)، به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: تاریخ ایران، ص ۲۳۰-۲۲۹، ۱۷۴-۱۷۲، ۱۶۲-۱۶۰، ۱۵۱-۱۵۰، ۱۳۴، ۱۰۹-۱۰۸، ۱۰۰، ۸۹، ۶۹، ۴۶، ۴۲، ۸، ۷.

۲. همان، ص ۱۲۸-۱۲۶، ۲۶، ۱۲-۱۱؛ روزنامه آموزگار، س ۱، ش ۹، ۵ شعبان ۱۳۱۹، ص ۵، ۳-۲.

۳. مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی، ص ۱۸۹، ۱۷۴-۱۷۲، ۱۶۰، ۱۱۴-۱۱۳، ۵۱-۵۰، ۸-۷؛ فاروق خرابی، (۱۳۸۵)، انجمن‌های عصر مشروطه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۶۰؛ در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصوب ۲۹ صفر ۱۳۲۵، حداقل سن انتخاب‌کنندگان در مناطق شهری، بیست و یک سال و در مناطق روستایی، بیست و پنج سال و حداقل سن انتخاب شوندگان، سی سال تعیین شده بود.

یدی در چشم جوانی چهارده ساله... کرده، شرح آن از قرار ذیل است: *طفل* یا *جوان* که در بیرون خانه با یکی از همسن‌های خود نزاع کرده بعد از مراجعت به منزل، اولیای او می‌بینند از یک چشم کودک، خون زیادی جاری است... تا *جوان* را در تهران به مطب ناصرالحکماء می‌برند... معلوم می‌شود نصف دوکی بوده که در مازندران آن *طفل* دیگر به ضرب از پهلو به چشم این *طفل* فرو کرده و چون نتوانسته است آن را بیرون بکشد، دوک را منحرف کرده... پس از دو ماه که *جوان* را برای رفع پلک به تهران می‌آورند، حقیقت معلوم می‌شود.^۱ این گزارش^۲ نشان می‌دهد که احتمالاً ذهنیت عمومی در این زمان، در یک دوره انتقالی به سر می‌برد و میان تعریف سنتی (با گرایش عمدتاً دینی) از کودکی و تعریف جدید از این دوران (تعریف غربی)، معلق بود. با این همه، درست مانند همه پدیده‌های نوظهور دیگر، پذیرش تعریف جدید کودکی نیز ابتدا در میان طبقه فرادست صورت پذیرفت. همچنان که اسناد مصور نشان می‌دهند، کودکانی که در عکس‌های آغاز دوره ناصری با لباس و ژست‌هایی همانند بزرگسالان دیده می‌شوند، در اواخر دوره قاجاریه با اسباب بازی و لباس‌های عمدتاً اروپایی کودکانه نمودار می‌شوند.



سایت «دنیای زنان در عصر قاجار»

۱. تربیت، نمره ۳۷۲، غره جمادی‌الثانی ۱۳۲۳، ص ۱۸۸۸-۱۸۸۷.
۲. برای نمونه مقایسه کنید دو گزارش کوتاه روزنامه ایران در ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۲۹۳، ص ۲ و همان، ۶ رجب ۱۲۹۳، ص ۴؛ درباره اطلاق واژه *طفل* و *جوان* به افراد ذکوری در یک سن (پانزده سالگی)؛ نیز اطلاعات، ۱ شهریور ۱۳۰۸، ص ۴: (طفل نامیدن افرادی در سنین مختلف دوازده، چهارده و بیست سالگی)؛ یا گزارش روزنامه اطلاعات، ۲۵ فروردین ۱۳۱۰، ص ۳؛ (به شمار آوردن افرادی دوازده و هفده ساله در زمره اطفال)؛ همچنین نک: کاربرد واژه *طفل* برای مصدق السلطنه بیست و پنج ساله در: غلامحسین‌خان افضل‌الملک، (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران، ص ۸۳.

علاوه بر اسناد مصور، شواهد مکتوب نیز حاکی از آن است که تا پایان این دوره برخی خانواده‌های پیشرو طبقه بالای جامعه، هیجده‌سالگی را حد پایانی کودکی به شمار می‌آوردند.^۱ تا پایان دوره قاجاریه نه تنها کودکان به کانون بحث جدی اندیشه‌گران متجدد تبدیل شده بودند و برای آنان کتاب‌های درسی مناسب سنشان^۲ کتاب‌های داستانی^۳ و وسایل کمک آموزشی^۴ تدارک دیده شده بود؛ بلکه سخن درباره‌ی آنان به مذاکرات مجلس شورای ملی نیز کشیده شده بود. مذاکرات مجلسیان درباره دختران قوچانی که در اثر فشار مالی حکمران خراسان، به ترکمنان فروخته شده بودند،^۵ مجموعه‌ای از گفتارها پیرامون راه و رسم حکام پیشین در فروش کودکان رعایا در سیستان و بلوچستان و نقاط دیگر به وجود آورد.^۶ همانطور که بحث آموزش در ذیقعد ۱۳۲۹ / ۱۲۹۰ منجر به تصویب قانون

۱. عبدالرحیم طالبوف تبریزی، (۱۳۲۴ ق)، *مسائل الحیات*، تفلیس: غیرت، ص ۷۴-۷۳؛ نوشین احمدی خراسانی و پروین اردلان (گردآورندگان)، (۱۳۸۲)، *سناتور؛ فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر فعالیت‌های حقوقی زنان در ایران*، تهران: توسعه، ص ۶۸.

۲. از جمله مهم‌ترین کتاب‌های درسی کودکان در دوره قاجار می‌توان به کتاب *علی و دوره زندگانی*، یا *حق غضب اطفال* نوشته یحیی دولت‌آبادی (روزگاری که گذشت، ص ۲۳۶)؛ مجموعه آثار میرزا حسن رشدیه از جمله *بدایه‌التعلیم، کفایه‌التعلیم*، و... (سوانح عمر، ص ۱۴۸-۱۴۷)؛ گنجینه دانش میرزا یوسف مستوفی‌الممالک (نسخه چاپ سنگی ش ۱۵۳۸۷-۶ کتابخانه ملی)؛ کتاب تاریخ اثر محمدعلی فروغی (تربیت، نمره ۲۰۲، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۱۸ ق، ص ۸۱۲) اشاره کرد. برای اطلاع از فهرست کاملی از این آثار نک: محمدهادی محمدی و زهره قائینی، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات کودکان ایران*، ج ۴، تهران: چیستا، ص ۷۳۵-۷۲۰.

۳. *فرائد النصائح* از خلیل ثقفی (۱۳۰۷ ق)، *نردبان خرد محمد حسین و ابوالحسن فروغی* (۱۳۱۷ ق)، *اخلاق مصور صنیع السلطنه* (۱۳۱۹ ق)، *انیس‌الادباء و الاطفال عبدالحمید بن عبدالباقی ثقفی* (۱۳۱۹ ق)، *صد پند میرزا علی‌اصغر خان* (۱۳۲۳ ق)، *جنگلستان حسین دانش* (۱۲۹۱ ش) و *اخلاق مصور محمد علیخان مظفری* در (۱۲۹۲ و ۱۲۹۵ ش) از جمله مهم‌ترین آثار ویژه کودکان‌اند که با الهام از آثار ادبی غربی نوشته شده‌اند؛ *تاریخ ادبیات کودکان ایران*، ص ۲۹۷-۲۸۸، ۲۸۴.

۴. تربیت، نمره ۱۰۱، ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۱۵، ص ۴۰۴-۴۰۳؛ همان، نمره ۳۹۲، غره ذی‌قعد ۱۳۲۳، ص ۲۰۵۲.

۵. افسانه نجم‌آبادی، (۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان (از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان؛ *رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)*، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۳.

۶. *کوکب دری*، س ۴، ش ۱۰، ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۲-۴؛ *خورشید*، س ۱، ش ۱۱، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ص ۵-۶؛ *جارجی ملت*، س ۱، ش ۳، ۱۳۲۹، ص ۳؛ *خاطرات مونس‌الدوله*، (۱۳۸۰)، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین، ص ۳۳۶-۳۳۴، ۳۳۸-۳۳۹.

اساسی معارف شد که در ماده سوم آن «تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان» اجباری شده، بر اساس ماده پنجم آن، همه والدین مکلف شده بودند: «اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه» وادارند.^۱ بدین ترتیب در آستانه‌ی روی کار آمدن حکومت پهلوی، ذهنیت عمومی نسبت به مفهوم کودکی و جایگاه کودکان دچار تغییر و تحولات آرامی شده بود که عبارتند از:

۱- در تعریف کودکی به عنوان مفهومی بیولوژیک، تردید ایجاد شده بود. تعیین حداقل سن کار برای کودکان و اجبار والدین به فرستادن فرزندانشان به مدرسه فارغ از جنسیت آنان، نشان از آن داشت که اندک اندک در نظر گرفتن شاخصه جسمانی بلوغ به عنوان حد پایانی دوران کودکی، لاقط در عرصه ذهنی دچار اختلال شده بود و برخی خانواده‌های پیشرو، سن پایان کودکی در میان دختران و پسران را فارغ از تفاسیر دینی و همگام با الگوی جهانی، یکسان دانسته براساس آن به تعلیم دختران همت می‌گماردند.

۲- کودکان به تدریج از اقلیتی خاموش در حاشیه اجتماع، به گروهی مورد توجه جامعه تبدیل می‌شدند. بدین ترتیب برخلاف آغاز دوره ناصری، که حضور کودکان در گزارش‌های مطبوعات منحصر به اخبار تولد کودکی ناقص یا عجیب الخلقه، حادثه‌ای ناگوار برای آنان مانند مرگ در اثر افتادن در حوض و تنور و... بود،^۲ اندک اندک در جریان حرکت اصلاحی دوره پیشامشروطه و پس از آن، مقالات بلندی پیرامون آموزش و بهداشت کودکان در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید. همچنین آنان محور برخی کتاب‌ها، مانند کتاب احمد،^۳ حکایت پیر و جوان،^۴ داستان شگفت یا سرگذشت یتیمان^۵ و... قرار گرفتند و

1. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90163>

۲. ایران، ۱۵ ذی‌حجه ۱۲۹۱، ص ۳: همان، ۴ رمضان ۱۲۹۳، ص ۲؛ همان، ۱۰ شوال ۱۳۰۰، ص ۳؛ همان،

۱۸ شوال ۱۳۰۱، ص ۲؛ همان، ۷ شوال ۱۳۰۱، ص ۳؛ همان، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۰۵، ص ۳.

۳. میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، (۱۳۳۶)، کتاب احمد یا سفینه طالبی، تهران: گام.

۴. نخستین بار این داستان در روزنامه ملتی، نمره ۱۸، ۲۳ ذیحجه ۱۱۲۸، به صورت داستان دنباله‌داری تحت عنوان «درک بهار» به قلم حکیم‌الممالک به چاپ رسید که در آن، نویسنده دوره‌های مختلف زندگانی را با فصول مختلف سال همانند کرده بود. بعدها این داستان با عنوان «حکایت پیر و جوان» اما به نام ناصرالدین شاه قاجار به چاپ رسید: حکایت پیر و جوان، داستانی به قلم ناصرالدین شاه قاجار، (۱۳۸۵)، به‌کوشش کوروش منصوری، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۵. جارچی ملت، س ۱، ش ۳۳، شوال ۱۳۲۹، ص ۳؛ تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج ۴، ص ۵۰۹-۵۰۷.

به نام خود در روزنامه‌ها مطالبی منتشر کرده، در مسائل خاصی مانند کمک به تاسیس بانک ملی اثرگذار شدند.^۱

کودکی و کودکان در دوره رضا شاه

به قدرت رسیدن رضاشاه، سرفصل دوره‌ای جدید در تاریخ معاصر بود. حکومت جدید که در آغاز قرن بیستم - قری که در عرصه بین‌المللی به نام «قرن کودکان» نامگذاری شده بود^۲ - به قدرت می‌رسید، بر پایه تجربیات پیشین و با توجه به تحولات بین‌المللی برای پیشبرد برخی برنامه‌های توسعه‌ای خود نیازمند توجه جدی به کودکان بود.

جایگاه کودکان در برنامه‌های مدرن جمعیتی

زامداران جدید که بار وظایف دولت‌های مدرن را بر دوش خود حس می‌کردند و به دنبال اعاده اقتدار ملی و ارتقای موقعیت ایران، در عرصه بین‌المللی بودند؛ از این پس به کودکان نه به عنوان «موجودات نارس»^۳ و «بزرگسالانی کوچک» بلکه به عنوان افرادی دارای شخصیت و روحیه متفاوت از بزرگسالان می‌نگریستند که «سرمایه مدافعه هر ملت»^۴ و «بزرگ‌ترین و گرانبهاترین سرمایه اصلی و اساسی ایران» بودند.^۵ از این پس، حکومت، تبلیغ گسترده برای افزایش جمعیت را به اصلی‌ترین شاخصه برنامه‌های جمعیتی خود تبدیل کرد.^۶ برای دستیابی به این هدف که مقدمه افزایش نیروی کار، اجرای قانون تعلیمات

۱. کوکب دری، س ۳، ش ۸، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، ص ۵.
۲. اطلاعات عصر، ۲۰ مهر ۱۳۱۶، ص ۲؛ همان، ۱۳ آبان ۱۳۱۷، ص ۵.
۳. مقاله «حمایت اطفال»، اطلاعات، ۱۰ بهمن ۱۳۱۳، ص ۲.
۴. مقاله «بدبختی جامعه»، اطلاعات، ۲۵ دی ۱۳۰۸، ص ۳.
۵. مقاله «شخصیت اطفال»، اطلاعات عصر، ۱۲ آذر ۱۳۱۶، ص ۲.
۶. مقاله «تکثیر نفوس»، اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۱۳۱۰، ص ۱؛ مقاله «تکثیر نفوس و تاهل جوانان»، همان، ۱۶ آذر ۱۳۱۲، ص ۲؛ مقاله «افزایش نفوس»، همان، ۱۲ فروردین ۱۳۱۴، ص ۲؛ مقاله «تاثیر خانواده»، همان، ۲۷ مرداد ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «مبارزه با کم شدن جمعیت»، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مهر ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «احتیاج به نوزاد، لزوم تکثیر نسل و تزئید نفوس»، ترجمه از روزنامه دلیلی میل، همان، ۳ آذر ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «لزوم تکثیر جمعیت در ایران»، اطلاعات عصر، ۳۱ مرداد ۱۳۱۶، ص ۱؛ مقاله «جمعیت و تاثیر

عمومی و اجباری، ارتقای توان نظامی ایران و حفظ امنیت داخلی و خارجی بود، راهکارهای گوناگونی وجود داشت؛ که مهم‌ترین آنها ترغیب جوانان به ازدواج، افزایش سطح بهداشت عمومی به خصوص سلامت کودکان، آموزش آداب پرورش کودکان و اجباری کردن این درس در مدارس متوسطه دخترانه، تشدید قوانین مرتبط با سقط جنین، تشویق افراد به فرزندآوری با ارائه سیاست‌های تشویقی مانند تقدم افراد متاهل و اولاددار در استخدام مراکز دولتی و... بود.^۱ اجرای برنامه‌های جمعیتی بیش از هر چیز به همراهی زنان احتیاج داشت. گروهی که بر اثر تحولات سال‌های مشروطه تا این زمان از زاویه خمودگی بیرون آمده و در اثر اجرای برنامه‌های فرهنگی حکومت جدید نه تنها فرصتی برابر برای آموزش ابتدایی یافته بودند؛ بلکه امکان تحصیل در دانشگاه و اشتغال را نیز به دست آورده بودند. از خلال برخی مقالات می‌توان دریافت که آموزش دختران و حضور اجتماعی آنان، آرمان‌های جدیدی را در اذهان آنها پدید آورده بود که لزوماً با اهداف یک زن ایرانی نسل قدیم‌تر که همه آرزویش ازدواج و فرزندآوری بود، شباهت نداشت. بدین ترتیب، نویسندگان این دوره تلاش می‌کردند تا مسئولان فرهنگی کشور را وادارند به تقلید جوامع غربی، میزان دروس عملی در برنامه درسی دختران را افزایش داده و به جای دروسی مانند هندسه، فیزیک و شیمی که مطالعه‌اش برای زنان بی‌فایده و زائد تلقی می‌گردید به آنان فن خانه‌داری، بچه‌داری بیاموزند.^۲

آن در فعالیت اقتصادی»، اطلاعات عصر، ۴ دی ۱۳۱۶، ص ۱؛ مقاله «بهداشت و افزایش نفوس»؛ همان، ۲۴ آذر ۱۳۱۹، ص ۲.

۱. مقاله «پرورش کودکان و اهمیت شناختن آداب آن»؛ کنفرانس دکتر فریدون کشاورز در کانون بانوان، اطلاعات، ۱۳ دی ۱۳۱۵، ص ۲.

۲. مجله تعلیم و تربیت، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۰۴، ص ۱۶؛ همان، س ۱، ش ۳-۴، خرداد و تیر ۱۳۰۴، ص ۱۹-۲۰؛ مقاله «تربیت دختران»، اطلاعات، ۱۶ تیر ۱۳۰۷، صص ۳-۲؛ مقاله «تربیت دختران در اروپا و آمریکا»، اطلاعات، ۱۸ تیر ۱۳۰۷، ص ۳؛ خبر «پروگرام مدارس متوسطه نسوان»، اطلاعات، ۱۰ مرداد ۱۳۰۷، ص ۲؛ مقاله «استخدام معلمه»، اطلاعات، ۸ مهر ۱۳۰۸، ص ۳؛ تربیت، س ۴، ش ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۱۱-۱۰؛ صدیقه دولت آبادی، نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، (۱۳۷۷)، ویراستاران: مهدخت صنعتی و افسانه نجم‌آبادی، Midland Printers...، ص ۵۲۴-۵۲۵؛ مریت هاکس، (۱۳۶۴)، ایران، افسانه و واقعیت، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد و دیگران، تهران: آستان قدس رضوی، ص ۲۲۴-۲۲۳؛ سناتور (فعالیت‌های

جایگاه کودکان در برنامه‌های مدرن بهداشتی

از سوی دیگر مسئولان امر که علت اصلی پایین بودن جمعیت کشور را نه کمی موالید، بلکه بسیاری متوفیات می‌دانستند؛ تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند تا ضمن تاسیس موسسات جدیدی نظیر زایشگاه، بیمارستان زنان و کودکان و نهادهای حمایتی چون دارالرضاعه، و دارالایتام و ... از میزان مرگ و میر کودکان بکاهند.^۱ اداره‌های زیر مجموعه بلدیّه، شیر و خورشید سرخ ایران و بنگاه حمایت مادران و نوزادان نهادهای نوظهوری در تاریخ معاصر ایران هستند که در دوره‌ی رضاشاه نقش برجسته‌ای در اجرای برنامه‌های بهداشتی و حمایتی از زنان و کودکان داشتند.

در ۱۲۸۵ / ۱۳۲۵ ق. نمایندگان مجلس اول، در صدد تدوین قانونی برای اداره شهرها برآمدند که این عمل به تصویب اولین قانون بلدیّه در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ / ۱۹ خرداد ۱۲۸۶ انجامید. در این قانون، «نظم و ترتیب تاسیسات خیریه از قبیل مریضخانه، کتابخانه و... که به خرج شهر دایر شده» و نیز «تعیین محلی برای سپردن و نگاهداری اطفال، مجانین و حیوانات گمشده و طریق ایصال ایشان به اولیای آنها» از جمله وظایف بلدیّه‌ها شمرده شده بودند. وظایفی که در نظامنامه ۶ خرداد ۱۳۰۶ به مراتب گسترده‌تر شده و شامل «توسعه مریضخانه‌ها، دارالمساکین، دارالمجانین و سایر موسسات خیریه» و «مراقبت در امور صحی حوزه بلدی و معاونت عمومی به توسط شعبه‌های طب امدادی و مریضخانه‌های بلدی و دارالمجانین و سایر موسسات خیریه و حفظ اطفال بی صاحب و ...» نیز شد.^۲ از جمله مهم‌ترین بنگاه‌های زیر مجموعه اداره بلدیّه، که در ذیل اداره‌ای تحت عنوان «اداره صحیه، خیریه و معاونت عمومی» فعالیت می‌کردند، زایشگاه

مهرانگیز منوچهریان...، ص ۳۸۶؛ فاطمه صادقی، (۱۳۸۴)، جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان و قصیده سرا، ص ۵۵.

۱. مقاله «تکثیر نفوس»، اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۱۳۱۰، ص ۱؛ مقاله «تکثیر نفوس و تاهل جوانان»، اطلاعات، ۱۶ آذر ۱۳۱۲، ص ۱؛ مقاله «افزایش نفوس»، اطلاعات، ۱۲ فروردین ۱۳۱۴، ص ۲؛ مقاله «مبارزه با کم شدن جمعیت»، اطلاعات، ۱۸ مهر ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «پرورش کودکان و اهمیت شناختن آداب آن»، اطلاعات، ۱۳ دی ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «لزوم تکثیر جمعیت در ایران»، اطلاعات عصر، ۳۱ مرداد ۱۳۱۶، ص ۱؛ داستان «سیسمونی یا رخت بچه»، اطلاعات عصر، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۷، ص ۲.

2. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90163>

دارالرضاعه، دارالصنایع بلدی، پرورشگاه کودکان و یک دبستان مجانی بلدی بود. از جمله مهم‌ترین وظایف این اداره، «مراقبت در تکثیر نفوس و ازدیاد نسل، تهیه و تشکیل محل‌های مشاوره برای زنان باردار به منظور آگاهی از شرایط بهداشتی در دوره حمل و پس از زایمان، صدور تعلیمات بهداشتی به مادران مبنی بر طرز پرورش اطفال، حمایت و نگهداری اطفال شیرخوار از هنگام ولادت تا سن هفت سالگی و حمایت و نگهداری اطفال یتیم از هفت سالگی به بالا بود»^۱. جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که در ۱۳۰۲، به صورت رسمی آغاز به کار کرد، دیگر بنیاد ملی دوره رضاشاه است که منشا خدمات گوناگونی مرتبط با زنان و کودکان گردید. بر اساس ماده ۱۹ اساسنامه این جمعیت، تأسیس درمانگاه‌های عمومی، مجانی، داروخانه‌ها، بیمارستان‌های ثابت و سیار و آسایشگاه‌ها برای ایتام و اطفال کارگران بی‌بضاعت از جمله وظایف این موسسه شناخته می‌شد. وظایفی که با تأسیس بخش نسوان جمعیت شیر و خورشید سرخ در سال ۱۳۰۷ جدی‌تری گرفته شد. آئین گشایش این قسمت در کاخ گلستان و با حضور همسر و دختران رضاشاه تشکیل شد. ملکه در این جلسه، ضمن ابراز نگرانی از میزان بالای مرگ و میر کودکان در ایران، تندرستی کودکان برای ایجاد ایرانی قوی‌تر را از اهداف اصلی جمعیت نسوان شیر و خورشید سرخ دانست و از زنان شرکت‌کننده خواست با دوری از تجمل، پوشیدن لباس‌های دوخته شده از پارچه‌های وطنی و ساده‌زیستی به تأسیس پرورشگاه و مریضخانه مخصوص کودکان یتیم و فقیر یاری رسانند. این تشکل به کمک‌های مردمی متکی بود.^۲ علاوه بر این، مهم‌ترین مرکز خیریه مدرن مرتبط با زنان و

۱. الهام ملک‌زاده، (۱۳۹۲)، *موسسات خیریه رفاهی بهداشتی در دوره رضاشاه*، تهران: تاریخ ایران، ص ۱۳۷-۱۲۹، ۱۵۳-۱۵۲؛ حبیب‌الله مختاری (مختارالسلطنه)، (۱۳۲۶)، *تاریخ بیداری ایران*، تهران: چاپخانه دانشگاه، ص ۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۴-۴۶۳؛ *مجله بلدیہ*، س ۱۰، ش ۱، اسفند ۱۳۱۰، ص ۵۳؛ *اطلاعات*، ۱۲ خرداد ۱۳۰۷، ص ۲؛ همان، ۲۳ آبان ۱۳۱۹، ص ۱؛ همان، ۲۴ آبان ۱۳۱۹، ص ۱؛ همان، ۲۱ آذر ۱۳۱۹، ص ۱.

۲. همان، ۱۰ فروردین ۱۳۰۸، ص ۳؛ همان، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۲؛ همان، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۲؛ همان، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۲؛ همان، ۲۰ آذر ۱۳۰۸، ص ۲؛ همان، ۲۶ فروردین ۱۳۱۰، ص ۱؛ *رستاخیز ایران، مدارک، مقالات و نگارشات خارجی (۱۳۲۳-۱۲۹۹)*، (۱۳۳۵)، گردآورنده فتح‌الله نوری اسفندیاری، تهران: سازمان برنامه، ص ۴۵۱.

کودکان، بنگاه حمایت از مادران و نوزادان بود که در ۲۵ آذر ۱۳۱۹ تحت ریاست عالیّه فوزیه؛ همسر ولیعهد تشکیل شد. این موسسه نیز که اتکای مالی اش به کمک‌های مردمی بود تا فروردین ۱۳۲۰ زایشگاهی در خیابان منیریه تاسیس کرد و به تدریج تا شهریور ماه این سال موفق به بازگشایی تیمارگاه‌هایی در چند نقطه تهران از جمله خیابان پهلوی، دروازه شمیران و مولوی شد. همچنان‌که تا پایان سلطنت رضاشاه، شعبه‌هایی از این موسسه در شهرهای رضائیه، شیراز، تبریز و رشت نیز آغاز به کار کرد. این موسسه شامل بخش‌های متعددی چون زایشگاه و اندرگاه‌هایی برای مراقبت‌های پیش و پس از زایمان، درمانگاه بیماری‌های کودکان، مرکز پخش شیر، شیرخوارگاه نوزادان سرراهی و داروخانه بود که به درمان رایگان زنان و کودکان می‌پرداختند.^۱

از سوی دیگر آداب نوین پرورش کودکان که بر پایه‌ی نظریات غربی پدید آمده بود در قالب کتاب، مقاله و سخنرانی به جامعه عرضه می‌شد. تا پایان این دوره، کتاب‌هایی درباره تربیت جسمانی و روحانی کودکان نوشته شدند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: *دانستنی‌های کودکان و آداب پرورش کودکان* نوشته فریدون کشاورز، *پرورش کودکان نوزاد* اثر رستگار، *بیماری‌های کودکان* اثر محمد قریب و...^۲ همچنین موسساتی چون کانون پرورش افکار، کانون بانوان و مدارس جدید، محل برگزاری سخنرانی‌هایی با محوریت پرورش کودکان بودند که با مخاطب قرار دادن زنان، شیوه‌های جدید مراقبت از کودکان را به آنان می‌آموختند.^۳ در این روش، مادران یاد می‌گرفتند که سلامت نوزادان نه تنها متکی بر

۱. ۲۵ سال خدمت بنگاه حمایت مادران و نوزادان، (بی‌تا)، بی‌نا، ص ۱۵-۱۴؛ محمد حجازی، (۱۳۳۸)،

میهن ما، تهران: وزارت فرهنگ، ص ۳۷۹؛ درکنار پدرم مصدق، (۱۳۶۹)، به کوشش غلامرضا نجاتی، قم: رسا، ص ۳۴-۲۹؛ ابراهیم صفایی، (۲۵۳۵)، بنیادهای ملی در شهرداری رضاشاه کبیر، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ص ۱۳۷-۱۳۵؛ *اطلاعات*، ۱۴ آذر ۱۳۱۹، ص ۱؛ همان، ۱۶ آذر ۱۳۱۹، ص ۱؛ همان، ۱۸ خرداد ۱۳۲۰، ص ۱؛ همان، ۱۵ تیر ۱۳۲۰، ص ۱؛ همان، ۱۸ تیر ۱۳۲۰، ص ۱؛ مقاله «زایشگاه بنگاه حمایت مادران و نوزادان»، همان، ۲۲ خرداد ۱۳۲۰، ص ۱.

۲. *اطلاعات*، ۲۶ اسفند ۱۳۱۸، ص ۱.

۳. صدیقه دولت آبادی، *نامه‌ها...*، ص ۲۶۳-۲۶۲؛ *اطلاعات*، ۲۸ فروردین ۱۳۱۶، ص ۴؛ همان، ۴ فروردین ۱۳۲۰، ص ۱؛ *اطلاعات*، ۲۰ خرداد ۱۳۲۰، ص ۱؛ همان، ۴ بهمن ۱۳۱۵، ص ۳؛ همان، ۳ بهمن ۱۳۱۷، ص ۱؛ *مجله تعلیم و تربیت*، س ۷؛ *اطلاعات*، ۳۰ بهمن ۱۳۱۹، ص ۱؛ همان، ۱۸ اسفند ۱۳۱۹، ص ۸.

مراقبت از نوزادان، بلکه متکی بر سلامت خود مادر در دوران بارداری نیز هست. بر این اساس، مطبوعات سراسری و روزنامه‌های زنان مقالاتی آموزشی درباره‌ی سلامت جسم و روح زنان باردار منتشر کردند تا با اتکای آنها هرچه بیشتر از میزان آسیب‌های وارده بر کودکان در آستانه تولد کاسته شود.^۱

جایگاه کودکان در برنامه‌های مدرن آموزشی

به‌رغم آن‌که نظام آموزشی دوره‌ی رضاشاه، ادامه‌ی برخی افکار قدیم‌تر مانند تقدم و اولویت اخلاق بر علم یا پرورش بر آموزش بود؛^۲ اما شاخصه‌هایی داشت که در ساختار آموزشی پیشین دیده نمی‌شد. در نظام آموزشی جدید، توجهی ویژه به تفاوت‌های جسمی، روحی، فکری و خانوادگی کودکان وجود داشت که همه، سبب‌ساز تنوع شیوه‌های آموزش به مقتضای نیازهای کودکان می‌شد. جبار باغچه‌بان که برای نخستین بار آموزش کودکان کر و لال را در ۱۳۰۵ در کودکستان خود در تبریز آغاز کرده بود در دی ماه ۱۳۱۲، موسسه‌ای آموزشی به نام دبستان کر و لال‌ها در تهران تاسیس کرد.^۳ از سوی دیگر،

۱. مقاله «تاثیر مادر در تکامل جسمانی و روحانی بچه»، مجله تعلیم و تربیت، س ۴، ش ۶، ص ۳۴۰-۳۳۴؛ مقاله «قبل از تولد طفل»، عالم نسوان، س ۷، ش ۱، دی ۱۳۰۵، ص ۲۶-۲۳؛ ادامه مقاله «قبل از تولد طفل»، از شماره پیشین در عالم نسوان، س ۷، ش ۲، بهمن ۱۳۰۵، ص ۷۱-۶۸؛ مقاله «صحت برای مادران»، عالم نسوان، س ۷، ش ۶، خرداد ۱۳۰۶، ص ۲۰۶-۲۰۳؛ مقاله «در مدت حمل»، روزنامه اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۳، ص ۲؛ مقاله «زنان باردار و بچه‌ای که در راه است»، اطلاعات، ۱۱ مرداد ۱۳۱۵، ص ۲؛ مقاله «کمک به مادران - مطب‌های مجانی برای مادران بی‌بضاعت»، اطلاعات، ۵ آبان ۱۳۱۵، ص ۳؛ مقاله «بهداشت مادران»، اطلاعات، ۳۰ خرداد ۱۳۱۷، ص ۲؛ مقاله «قبل از اینکه طفل به دنیا آید»، اطلاعات، ۱۸ مهر ۱۳۱۹، ص ۲؛ مقاله «بهداشت زنان باردار»، اطلاعات، ۸ فروردین ۱۳۲۰، ص ۱؛ مقاله «زایشگاه»، اطلاعات، ۱۲ فروردین ۱۳۲۰، ص ۱.

۲. مخیرالسلطنه هدایت، مقاله «تهذیب اصول تعلیم»، مجله تعلیم و تربیت، س ۱، ش ۶، شهریور ۱۳۰۴، ص ۵-۱؛ ادامه همان مقاله در ش ۱۰، دی ۱۳۰۴، ص ۲؛ دکتر ولی‌الله خان نصر، مقاله «تهذیب اخلاق»، مجله تعلیم و تربیت، س ۲، ش ۷، مهر ۱۳۰۵، ص ۳۳۸.

۳. روشنگر تاریکی‌ها؛ جبار باغچه‌بان و همسرش، (۱۳۸۹)، تهران: چیستا، ص ۷۳-۷۰، ۱۰۲-۹۷؛ اطلاعات، ۱۷ خرداد ۱۳۱۳، ص ۳؛ همان، ۲۰ فروردین ۱۳۱۴، ص ۷؛ اطلاعات صبح، ۹ آبان ۱۳۱۶، ص ۱؛ اطلاعات عصر، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۷، ص ۸، ۱.

روزنامه‌های این دوره، توجهی ویژه به کودکان ضعیف‌الفکر،^۱ کندذهن،^۲ تندخو و عصبی^۳ و کم‌هوش^۴ در کنار کودکان فوق‌العاده باهوش داشتند،^۵ و با ترجمه از مطبوعات خارجی برای نخستین بار، روش‌ها و آزمون‌هایی را برای سنجش هوش کودکان و استعداد و روحیات آنها به خوانندگان خود می‌شناساندند.^۶ حکومت جدید، برای ترغیب روستاییان و عشایر به تحصیل کودکانشان در مدارس جدید و به پیروی از تجربه‌ی غربی، مدارس فلاحتی، فنی و صنعتی و سیار یا شبانه‌روزی به ترتیب در مراکز روستایی، شهری و میان ایلات و عشایر برپا کرد.^۷ از سوی دیگر، مسئولان فرهنگ و آموزش این دوره، برای حفظ سلامت کودکان محصل، «نظامنامه صحیه مدارس» را در ۱۳۱۰ تصویب کردند که بر اساس آن، نحوه معماری مطلوب مدارس، طرز نشستن و فاصله چشم کودکان از کتاب، برنامه درسی مناسب توان کودکان و... مشخص شده بود.^۸ رسیدگی به اوضاع بهداشت و تندرستی مدارس جدید، که با استخدام یک پزشک در ۱۲۹۸، صورت رسمی به خود گرفته بود در ۱۳۱۴، ابعاد وسیع‌تری یافت. در این سال، اداره صحیه مدارس با سخنرانی

۱. مجله تعلیم و تربیت، س ۴، ش ۹، آذر ۱۳۱۳، ص ۵۵۴.

۲. اطلاعات عصر، ۷ بهمن ۱۳۱۶، ص ۲.

۳. اطلاعات، ۲ دی ۱۳۱۴، ص ۴.

۴. اطلاعات عصر، ۵ اردیبهشت ۱۳۱۸، ص ۲.

۵. اطلاعات، ۱۳ اسفند ۱۳۱۸، ص ۲.

۶. مقاله «کودکان خود را بیازمایید»، اطلاعات، ۲۲ فروردین ۱۳۱۹، ص ۲؛ همان، ۱ اردیبهشت ۱۳۱۹، ص ۲؛ مقاله «استعداد کودکان - توفیق کودک بسته به استعداد اوست-»، ترجمه از مجله Modern Women، اطلاعات، ۶ شهریور ۱۳۱۹، ص ۲؛ مقاله «کودکان خود را بیازمایید»، ترجمه از مجله پیر نتر آمریکا، اطلاعات، ۱۵ فروردین ۱۳۲۰، ص ۲؛ مقاله «استعداد اطفال، معلم باید دقیق شود»، اطلاعات عصر، ۱۳ مهر ۱۳۱۶، ص ۲.

۷. تاریخ بیداری ایران، ص ۲۶۳؛ اطلاعات، ۲۵ فروردین ۱۳۰۹، ص ۲؛ همان، ۹ فروردین ۱۳۱۳، ص ۳؛ اطلاعات صبح، ۱۰ فروردین ۱۳۱۷، ص ۱؛ علی‌اصغر حکمت، (۲۵۳۵)، سی‌خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران: وحید، ص ۲۵۸؛ اطلاعات، ۲۹ آذر ۱۳۰۷، ص ۲؛ همان، ۲۳ مرداد ۱۳۱۴، ص ۱؛ مجله تعلیم و تربیت، س ۱، ش ۱، فروردین ۱۳۰۴، ص ۲۴؛ فریا استارک، (۱۳۶۴)، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی‌محمد ساکی، تهران: علمی، ص ۴۲.

۸. اطلاعات، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۰، ص ۳.

تناقض‌هایی را در تعریف مفاهیم قدیمی فقهی بلوغ، رشد، کبر، صغر و... در پی داشت. بنا بر آیات قرآن «بلوغ» مفهومی جسمی و «رشد»، مفهومی عقلانی داشت. قرآن به قییم توصیه کرده بود که دارایی ایتام را تا زمانی که آنان به رشد عقلی برسند، سرپرستی کنند.^۱ بدین ترتیب، عملاً دو مفهوم مجزا از یکدیگر وجود داشت که در عرف اجتماعی هم پذیرفته شده بود. بر این اساس، در حالی که مسلمانان شرط کسب اهلیت و صلاحیت تصدی امور مالی یک فرد را دستیابی به هر دو معیار بلوغ و رشد می‌دانستند، در رابطه با موضوع مهمی چون ازدواج، به حد بلوغ جسمانی اکتفا می‌کردند. با تصویب این قانون، حکومت پهلوی که در تمامی عرصه‌ها رو به سوی عرفی‌سازی جامعه در حال حرکت بود، پانزده سال تمام و هیجده سال کامل شمسی را هم به عنوان حد بلوغ و هم معیار ازدواج تعیین کرد، اما حتی این کار نیز تناقض نهفته در ذهنیت عمومی، درباره تعریفی چندپاره از مفهوم کودکی را از میان نبرد، چرا که در همین زمان همچنان سن مجاز فعالیت مالی و اقتصادی افراد بر مبنای قاعده عقلانی رشد تعیین گردیده و به مراتب از سن مجاز برای ازدواج بالاتر بود.^۲

به‌رغم تغییرات انجام شده در مورد کودکان، آنان همچنان به عنوان یک وسیله ابزاری تبلیغی حکومت، و عموماً در راستای تضعیف جایگاه مدعیان مذهب استفاده می‌شدند. چنانچه در همین زمان هیچ توجه بنیادینی به تصویب یک قانون جامع، که کار کودکان در کارخانجات بزرگ را ممنوع گرداند، صورت نپذیرفت.^۳

ص ۲؛ همان، ۶ تیر ۱۳۱۲، ص ۵؛ الیز ساناساریان، (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷)، تهران: اختران، ص ۹۶؛

1. Afary, Janet, (2009) *Sexual politics In Modern Iran*, Cambridge University Press, pp. 25 - 23, 155-153, <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92288>.

۱. سوره نساء، آیه ۶.

۲. علی شایگان، (۱۳۲۴)، حقوق مدنی ایران، بی‌نا، ص ۲۹۳-۲۹۱، ۲۲۷، ۲۲۰؛ اطلاعات، ۲ مرداد ۱۳۱۲،

ص ۲.

۳. اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۱۵، ص ۸.

نتیجه

به عنوان نتیجه این مقاله، می‌توان تحول در مفهوم کودکی و جایگاه کودکان را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- حکومت پهلوی که در جستجوی اقتدار ملی و کسب وجهه بین‌المللی بود، تحت تاثیر تجربیات کشورهای غربی، کودکان را در کانون سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، بهداشتی و اجتماعی خود قرار داد.
- ۲- حکومت جدید، میراث‌دار تفکری گسسته از مفهوم دیرینه کودکی در دنیای سنتی بود که هر روز بیشتر به سمت الگو و تعریف غربی گرایش می‌یافت. در دوره جدید، که سیاست‌های حکومت در عرصه‌های اجتماعی راه به سوی عرفی‌سازی گسترده می‌برد تا حد زیادی تعریف کودکی نیز عرفی شده از رنگ و بوی دینی قرون پیشین که مبتنی بر تفسیر دینی علما از آیات قرآنی بود، فاصله می‌گرفت، اما هرگز به صورت کامل غربی نشد.
- ۳- برخی شواهد حاکی از آن است که کودکان برای زمامداران حکومت جدید تنها حکم وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف بلندمدتشان را داشتند. بدین ترتیب، تا جایی که اهداف عالی حکومت از جمله افزایش جمعیت برای ارتقای توان اقتصادی و نظامی کشور را تامین می‌کردند یا با آموزش عمومی و اجباری، نیروی انسانی مورد نیاز در بروکراسی رو به رشد کشور را فراهم می‌آوردند یا می‌توانستند با تعریف جدیدی از کودکی، نفوذ دیرینه مدعیان و متولیان مذهب غالب را کم‌رنگ کنند، از آنان استفاده می‌شد. حال آن‌که هیچ قانون فراگیری که مانع از کار کودکان کارخانجات بزرگی که ضوابط آن بر اساس روابط سنتی استاد - شاگردی استوار نبود، به تصویب نرسید.

فهرست منابع و مآخذ

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی، (۱۳۵۱)، مقالات، گردآورنده باقر مومنی، تهران: آوا.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، بی‌جا: بی‌نا.
- ابن سینا، ابوعلی حسین، (۱۳۱۹)، *ابن سینا و تدبیر منزل*، ترجمه محمدنجمی زنجان، تهران: ابن سینا.
- احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان (گردآورندگان)، (۱۳۸۲)، *سناتور: فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر فعالیت‌های حقوقی زنان در ایران*، تهران: توسعه.
- استادی، کاظم، (۱۳۹۱)، *فعالان اصلاح الفبا و تغییر خط*، تهران: علم.
- استارک، فریا، (۱۳۶۴)، *سفرنامه الموت، لرستان و ایلام*، ترجمه علیمحمد ساکی، تهران: علمی.
- افضل‌الملک، غلامحسین خان، (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، به‌کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- اوین، اوژن، (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶م)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بحرالفوائد، (۱۳۴۵)، به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- برگر، هانس ماگنوس انسس، (۱۳۹۱)، *در ستایش بیسوادی*، ترجمه محمود حدادی، تهران: ماهی.
- حجازی، محمد، (۱۳۳۸)، *میهن ما*، تهران: وزارت فرهنگ.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله، (۱۳۹۲)، *تاریخ فرش؛ سیر تحول و تطور فرش‌بافی در ایران*، تهران: سمت.
- حکمت، علی اصغر، (۲۵۳۵)، *سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی*، تهران: وحید.
- خرابی، فاروق، (۱۳۸۵)، *انجمن‌های عصر مشروطه*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- دوانی، جلال‌الدین، (۱۳۹۱)، *اخلاق جلالی*، تصحیح عبدالله مسعودی آرانی، تهران: اطلاعات.
- دوران، هنری مورتیمور، (۱۳۴۶)، *سفرنامه دوران*، ترجمه علیمحمد ساکی، خرم‌آباد: محمدی.
- رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۱)، *ایران بین دو کودتا*، تهران: سمت.
- رسائل سیاسی عصر قاجار، (۱۳۸۰)، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، (۱۳۷۸)، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رشیدی، شمس‌الدین، (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رنه دالمانی، هانزی، (۱۳۷۸)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاووس.
- روشنگر تاریکی‌ها؛ جبار باغچه‌بان و همسرش، (۱۳۸۹)، تهران: چیستا.
- ساناساریان، الیز، (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷)*، تهران: اختران.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۳۶)، *سفرنامه سرپرسی سایکس یا دو هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: ابن‌سینا.

کودکی و تجدد در دوره‌ی رضا شاه ۸۳

- سعدی شیرازی، مصلح الدین، (۱۳۶۹)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- شایگان، علی، (۱۳۲۴)، حقوق مدنی ایران، بی‌نا.
- صادقی، فاطمه، (۱۳۸۴)، جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان و قصیده‌سرا.
- صدیقه دولت آبادی، نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، (۱۳۷۷)، ویراستاران: مهدخت صنعتی و افسانه نجم آبادی، Midland Printers.
- صفایی، ابراهیم، (۲۵۳۵)، بنیادهای ملی در شهریاری رضاشاه کبیر، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- صنعتی‌زاده کرمانی، عبدالحسین، (۱۳۴۶)، روزگاری که گذشت، تهران: بی‌نا.
- طالبوف تبریزی، عبدالرحیم، (۱۳۲۴ق)، مسائل الحیات، تفلیس: غیرت.
- _____، (۱۳۳۶)، کتاب احمد یا سفینه طالبی، تهران: گام.
- _____، (۱۳۵۷)، آزادی و سیاست، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: سحر.
- _____، (۲۵۳۶)، مسالک المحسنین، مقدمه باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، (بی‌تا)، متن کامل اخلاق ناصری، به‌کوشش وحید دامغانی، تهران: فراهانی.
- عاقلی، باقر، (۱۳۷۰)، خاطرات یک نخست وزیر (احمد متین دفتری)، تهران: علمی.
- عنصرالمعالی کیکاووس، (۱۳۹۰)، قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابوحماد محمد، (۱۳۵۴)، کیمیای سعادت، به‌کوشش حسین خدیو‌جم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کرمانی، میرزا آقاخان، (۲۰۰۰)، سه مکتوب، به‌کوشش بهرام چوبینه، Germany: Nima Verlag.
- گروته، هوگو، (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه جلیل جلیلود، تهران: مرکز.
- محمدی، محمدهادی و زهره قائینی، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران: چیستا.
- مختاری (مختار السلطنه)، حبیب الله، (۱۳۲۶)، تاریخ بیداری ایران، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس، (۱۳۶۱)، به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: تاریخ ایران.
- مصدق، غلامحسین، (۱۳۶۹)، درکنار پدرم مصدق، ویرایش غلامرضا نجاتی، قم: رسا.
- ملک‌زاده، الهام، (۱۳۹۲)، موسسات خیریه رفاهی بهداشتی در دوره رضاشاه، تهران: تاریخ ایران.
- مونس الدوله، (۱۳۸۰) خاطرات مونس الدوله، به‌کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین.
- ناصرالدین شاه، (۱۳۸۵)، حکایت پیر و جوان، داستانی به قلم ناصرالدین شاه قاجار، به‌کوشش کوروش منصور، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ناظم الدوله، میرزا ملکم خان، (۱۳۸۸)، رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، به‌کوشش حجت‌الله اصیل، تهران: نی.

۸۴ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۰

- نجم‌آبادی، افسانه، (۱۳۸۱)، حکایت دختران قوچان (از یاد رفته های انقلاب مشروطیت)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- نسخه خطی اخلاق ظهیریه، شماره ۵- ۱۲۳۰۷ کتابخانه ملی.
- نوری اسفندیاری، فتح الله (گردآورنده)، (۱۳۳۵)، رستاخیز ایران، مدارک، مقالات و نگارشات خارجی؛ ۱۳۲۳-۱۲۹۹، تهران: سازمان برنامه.
- هاکس، مریت، ایران، (۱۳۶۸)، افسانه و واقعیت، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، تهران: آستان قدس رضوی.
- ۲۵ سال خدمت بنگاه حمایت مادران و نوزادان، (بی‌تا)، (بی‌نا).

روزنامه‌ها و مجلات:

- آموزگار، س ۱، ش ۹، ۵ شعبان ۱۳۱۹، ص ۳-۲
- اطلاعات، ۳ مرداد ۱۳۱۰، ص ۱؛ همان، ۵ مرداد ۱۳۱۰، ص ۱ و...
- ایران در ۲۴ جمادی الثانی ۱۲۹۳، ص ۲ و ۶ رجب ۱۲۹۳، ص ۴؛ و...
- بلدیه، س ۱۰، ش ۱، اسفند ۱۳۱۰، ص ۵۳؛ و...
- تربیت، س ۴، ش ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۱۱-۱۰؛ و...
- تعلیم و تربیت، س ۱، ش ۱، فروردین ۱۳۰۴، ص ۲۴؛ و...
- تمدن، س ۱، ش ۷۷، ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق، ص ۴؛ و...
- جارچی ملت، س ۱، ش ۳۳، شوال ۱۳۲۹، ص ۳؛ و...
- خورشید س ۱، نمره ۱، ۲۱ محرم ۱۳۲۵، ص ۴-۵؛ و...
- عالم نسوان، س ۷، ش ۱، دی ۱۳۰۵، ص ۲۶-۲۳؛ و...
- کوکب دری، س ۳، ش ۸، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، ص ۵؛ و...

لاتین:

- Afarv. Janet. (2009). *Sexual politics In Modern Iran*. Cambridge University Press.
- Alan Prout. (2005). *the Future of Childhood*, Towards The Interdisciplinary Study of Children, London: Routledge Flamer.
- Andre Trumel, (2008), *A Historical Sociology of Childhood*, London: Cambridge University Press
- Beryl Rawson, (2005), *Children and Childhood in Roman Italy*, London: Oxford University Press.
- Lloyd de Mause, (1974), *The History of Childhood*, London: Souvenir Press.
- Mary Jane Kehily, *An Introduction to Childhood Studies*, Buckinghamshire: Open University Press.
- Paula Fass, (2004), *Encyclopedia of Children and Childhood*, In Society and History, New York: Thomson- Gale, Pp. 68 - 66.
- Philippe Aries, (1962), *Centuries of Childhood, A Social History of Family Life*, Translated by Robert Baldick, New York: Vintage Books.
- Roger Cox, (1996), *Shaping Childhood*, London:Routledge.
- Steven Mintz, (2004), *Huck` s Raft: A History of American Childhood*, Boston: The Belknap Press of Harvard University Press.